صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی - سردبیر: مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۶۶۳۴۸۰۱۶ تحریریه: ۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ - فکس: ۶۶۷۶۰۵۰۱-۶۶۷۲۶۰۴۷
روابط عمومی: ۶۶۷۶۰۴۹۹ - سازمان آگهی‌ها: ۱۸و۶۶۳۴۸۰۴۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - توزیع فرهیختگان: ۱۲-۶۶۳۴۸۰۱۱
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

پشت‌صحنه اقتصادی واگذاری پادگان معروف تهران چیست؟

تجارت ۳۰ هزار میلیاردی در ۰۶

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

ماجرای شهرفروشی در تهران اپیدمی شده است. واقعا فرقی نمی‌کند، یعنی قبل‌ترهم گفته‌بودیم که‌فرقی‌نمی‌کند کرباسچی شهردار تهران باشد یا قالیباف یا حناچی، البته در این بین نامی از نجفی و افشانی هم ببریم بد نیست، منتها این دو یکی حالا به خاطر قتل همسر دومش دوران محکومیت را در زندان پشت‌سر می‌گذارد و دومی هم سودای مجلسی‌شدن داشت که موفق نشد. بله، خلاصه اینها با هم فرقی نمی‌کنند، هرکدام با هر گرایش و جریان سیاسی که باشند، شهرفروشی در قاموس‌شان است، یعنی فرقی نمی‌کند حامی منتهی الیه جریان چپ و اصلاح‌طلبی باشند یا حامی منتهی الیه جریان راست و اصولگرایی، همین که شهردار بودند، مهم‌ترین راه ارتزاق کارمندان مجموعه‌شان، تنها راه کسب درآمد و مهم‌ترین راه تامین هزینه پروژه‌های شهری را از شهرفروشی تامین می‌کنند. در انواع و اقسام اندازه‌ها و متراژها، چندمتر، چندصدمتر، چندهزارمتر و گاهی میلیون‌مترمربع راهم می‌فروشند و حق شهروندی را لگدمال می‌کنند و پول درمی‌آورند. البته خب راه ساده‌تری است، بالاخره ایجاد سیستم یکپارچه مدیریت شهری، دریافت عوارض و مالیات عادلانه از شهروندان و خلاصه ایجاد راه درآمد پایدار کار این اسامی شهرفروشی که گفتم نبود و نیست. اما بد ماجرا دقیقا همین جاست که اینها هرکدام خود را مدافع حقوق شهری و شهروندی و مدیر قبلی را متهم به شهرفروشی می‌کنند. استدلال‌شان هم این است که ما مثلا کمتر شهر فروختیم و آن یکی بیشتر، ما بیشتر پروژه‌های محله‌محور و البته غیرعمرانی را دنبال کرده‌ایم و آن یکی‌ها عمرانی و قس علیهذا... اما آنچه عیان است، همان بود که در ابتدا نوشتم، کرباسچی همان قالیباف و قالیباف همان کرباسچی و حناچی هم هردوی اینهاست؛ حداقل در شهرفروشی!

حتی شورای‌شهری‌ها هم از جزئیات توافق ارتش و شهرداری مطلع نیستند!

بعد از شـــیوع کرونا و استفاده بیشتر مردم از وسایل نقلیه شخصی، حسابی خیابان‌ها شلوغ شده است. ترافیک زیاد باعث می‌شود کمی بیشتر از قبل توجهات به المان‌های شهری جلب شود، به تابلوها، بیلبوردها و هرچیز دیگری که ارزش چند ثانیه وقت گذاشتن و ســـپری کردن ترافیک کلافه‌کننده را داشته باشد. یکی از پرتکرارترین و پرتعدادترین بیلبوردهای شهری حداقل در یکی، دو هفته اخیر، بیلبوردهای مربوط به آغاز عملیات تبدیل پادگان ۰۶ ارتش تهران به بوســـتان بوده است؛ بیلبوردی که از شرقی‌ترین نقطه پایتخت تا غربی‌ترین و از جنوبی‌ترین تا شمالی‌ترین اتوبان‌های تهران هم از آن نشانی هست. تبلیغ برای پروژه‌ای که فعلا خبری از افتتاح آن نیست و صرفا عملیات ساخت و اجرایی آن آغاز شده است. این بوق و کرنا کردن‌ها و خبر از تبدیل ۳۵ هکتار از زمین حدود ۵۰ هکتاری پادگان ۰۶ ارتش در یکی از بهترین مناطق شمالی تهران شاید در نگاه اول جذاب به نظر برسد اما سوالاتی را هم در ذهن ایجاد می‌کند که اولین آن بحث تامین منابع و البته تعیین تکلیف ۱۵ هکتار باقی مانده است. به‌هرحال در منطقه‌ای که هر متر زمین بیش از چند ده میلیون تومان ارزش مالی دارد ۱۵۰ هزار مترمربع عدد کوچکی نیست و عایدی فوق‌العاده‌ای را برای بهره‌برداران به همراه خواهد داشت. جست‌وجو کردم؛ از همان روزهای نخست زمزمه آغاز عملیات احداث بوستان در زمین پادگان ۰۶ ارتش تا همین امروز که درحال نوشتن این خطوط هستم، منتها آنچه بتوان از آن به‌عنوان اطلاعات دقیق در ارتباط با جزئیات احداث بوستان در این پادگان یاد کرد، پیدا نکردم. نه اینکه فقط من پیدا نکرده باشم، حتی مدیران شهری هم دراین مورد تفاوتی با من خبرنگار و با شمای شـــهروند که احتمالا درحال خواندن این گزارش هستید، ندارند و از جزئیات بی‌اطلاع هســـتند. بگذارید پس اولین ایرادی که می‌توان به آغاز عملیات احداث این بوستان و توافق شهرداری با ارتش گرفت را حول همین ماجرا بدانیم. به‌هرحال جایگاه شورای شهر و شـــهرداری تهران و مناسبات بین این دو نهاد شهری بر کسی پوشیده نیست، هرآنچه قرار است در شهرداری و پروسه مدیریت شهری به اجرا دربیاید و به سرانجام برسد باید به اطلاع و تصویب شورای شهری‌ها هم برسد، با این همه دراین مورد و البته در گذشته هم در برخی موارد دیگر دوباره گویا شورای شهری‌ها توسط شهرداری تهران دور زده شده‌اند، اتفاقی که قبل‌تر و مثلا در پروسه اجرای طرح ترافیک جدید و محدوده دوم طرح ترافیک و... هم رخ داده بود. محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران در ارتباط با همین ماجرای توافق شـــهرداری تهران و ارتش در بهره‌برداری از پادگان ۰۶ تهران آن‌هم بعد از آغاز عملیات اجرایی و... در تذکری خطاب به پیروز حناچی، شـــهردار تهران در ارتباط بـــا جزئیـــات این توافق گفت: «با توجه به اینکه بنده به‌عنوان نماینده مردم تهران، ری و تجریش هستم در دو هفته گذشته درمورد چگونگی انعقاد توافقنامه شهرداری تهران با ارتش درمورد پادگان ۰۶ بررسی‌هایی انجام دادم که با پرسش‌های فراوانی روبه‌رو شده و اعتراض‌هایی نیز دراین زمینه وجود دارد. براساس ایفای وظایف نظارتی و نقش خودبنیان نماینده عضو شورای شهر از پیروز حناچی شهردار تهران درخواست دارم مشروح کامل توافق شهرداری تهران با ارتش درخصوص پادگان ۰۶ در دوره سوم شورای شهر تهران ارائه شود. همچنین متن کامل توافقنامه جدید شهرداری تهران و ارتش همراه با تفاوت‌های دو قرارداد و مستندات قانونی که منجر به آن شده، ارائه شود. لذا بدیهی است بعد از دریافت این اطلاعات و به اشتراک گذاشتن آن با کارشناسان، صاحب‌نظران یا مردم اقدام قانونی لازم درخصوص دفاع از حقوق شـــهر و شهروندان انجام گیرد.» بله، می‌بینید که شورای شهری‌ها هم خیلی درجریان پروسه توافقات شهری بین شهرداری و سایر نهادها نیستند و یکی از بزرگ‌ترین اقدامات و پروژه‌های شـــهری تاریخ پایتخت گویا بدون اطلاع دقیق مدیران شهری درحال انجام و اجراست!

چون کمتر می‌فروشند پس شهرفروشی نیست!

با در نظر گرفتن این مساله که هنوز جزئیات دقیقی از توافق ارتش و شهرداری تهران در بهره‌برداری از محل پادگان ۰۶ ارتش در دسترس نیست، اما برخی اظهارنظرها تا حدی دورنما و تصویری از آنچه در این منطقه قرار است اتفاق بیفتد را ارائه می‌کنند. برای مثال عبدالرضا گلپایگانی، معاون شهرسازی شهرداری تهران در تشریح آنچه در ارتباط با این پروژه شهری رخ خواهد داد، گفت: «در سال ۹۲ شهرداری منطقه ۴ توافقی با ارتش برای بارگذاری پادگان ۰۶ مطابق پهنه‌بندی طرح تفصیلی داشـــته است. در این توافق مقرر شده بود ۷۰ درصد زمین‌های این پادگان به پارک عمومی و ۳۰ درصد نیز بارگذاری شود. در این توافق مساحت بارگذاری معـــادل یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع بود که قرار بود در این مســـاحت، مجتمع‌های مســـکونی، تجاری، اداری و... ساخته شود و در جریان این توافق مقداری پول به‌عنوان عوارض به شهرداری پرداخت شده است. با توجه به توافق سال ۹۲ با ارتش، اطلاق پهنه کار و فعالیت و سکونت در طرح تفصیلی، مساحت توافقی ۶۳۰ هزار مترمربع، در شورای عالی شهرســـازی و معماری به تصویب رســـید و توافق جدید با ارتش با اینکه فرآیندی طولانی داشت، اما به‌جای آنکه ارتش در یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع بارگذاری داشته باشـــد، این بارگذاری به ۶۳۰ هزار مترمربع کاهش یافت، با توجه به وسعت پادگان، این وسعت بارگذاری عجیب‌وغریب نیست؛ چراکه ارتش طی توافقات، پیش از آن می‌توانست چندین‌بار بارگذاری فعلی، ساخت‌وساز داشته باشد. رویکرد شهرداری تغییر کرده ولی همه به دنبال نیم کاسه‌ای دراین ماجرا هستند. دراین پادگان سه برج مسکونی، دو برج اداری-تجاری و یک هتل ســـاخته خواهد شد. اگر ما می‌خواستیم براساس توافق سال ۹۲ به ارتش اجازه ساخت‌وســـاز در پادگان ۰۶ را بدهیم، رقم عوارض دریافتی به قدری بود که بخشی از مشکلات مالی فعلی شهرداری تهران را حل می‌کرد؛ اما شهرداری از این درآمد چشم‌پوشی کرده است، هدف شهرداری و مدیریت شهری، شهرفروشی نیست.» بله، همان‌طور که اظهارات معاون شهرسازی شهرداری تهران مشخص می‌شود، عده‌ای، یعنی ما و خیلی دیگر از منتقدان فقط به‌دنبال نیم کاسه هستیم و چون شهرداری در زمان مدیریت حناچی، به جای یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع اجازه بهره بارگذاری و تراکم در ۶۳۰ هزار مترمربع را داده است و از بخشی از آن عوارض عظیم و عجیب چشم‌پوشی کرده، پس اتفاق مبارکی افتاده است و اسم آن شهرفروشی نیست!

تجارت ۳۱ هزار میلیاردی ارتش و شهرداری

اما سوای همه اینها، سوای تمام فعل‌وانفعالات ذهنی که با تصور سرمایه حاصل از ایجاد چنین تراکمی در یکی از بهترین مناطق پایتخت صورت می‌گیرد، روی کاغذ نگاهی به عایدی ارتش و البته شهرداری تهران از تراکم ۶۳۰ هزار مترمربعی در ۱۵ هکتار باقی‌مانده از پادگان ۵۰ هکتاری ۰۶ ارتش بیندازیم. البته محاسبه دقیق ارزش هر مترمربع از سازه‌هایی که قرار است در این محدوده ساخته شود (دو برج مسکونی، دو برج تجاری و یک هتل) امکانپذیر نیســـت و متغیرهای بسیاری در این رابطه اثرگذار خواهند بود. منتهی با یک حساب سرانگشتی و لحاظ حداقل میانگین مدنظر برای هر مترمربع از ملک مسکونی و تجاری می‌توان به عدد قابل‌توجهی رسید. مثلا اگر ما ارزش هر مترمربع زمین یا بهتر، ملک مسکونی و تجاری را با حداقلی‌ترین میزان قابل‌تصور در مکانی نظیر منطقه پاسداران تهران، ۵۰ میلیون تومان در نظر بگیریم و این میزان را در همان عدد ۶۳۰ هزار مترمربع (میزان تراکم در نظر گرفته‌شده برای ساخت‌وساز در محدوده پادگان ۰۶ ارتش) ضرب کنیم به عدد قابل‌توجه ۳۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان می‌رسیم؛ رقمی نزدیک به بودجه یک‌سال شهرداری تهران! پس بزک کردن این عایدی ذیل بوستان و توجه به رفاه شهروندی و عدم بیان جزئیات توافق حاصل‌شده بین ارتش و شهرداری تهران هر توجیهی که داشته باشد نمی‌تواند مانع تامل و تمرکز بر این تراکم سرمایه قابل‌توجه در یکی از بهترین مناطق تهران شود. تراکم و تمرکز سرمایه‌ای که حتما مورد استفاده و اقبال همه طبقات اجتماعی حاضر در تهران گران نیست و احتمال استفاده از ساختمان‌های مسکونی، تجاری و حتی یک شب استراحت در یکی از اتاق‌های هتلی که در این مکان ساخته می‌شود، برای جمعیت کثیری از طبقات متوسط و پایین جامعه تهرانی نزدیک به صفر است.

اگر این مدل انتقال فضاهای حکمرانی باب شود دچار معضلات بزرگی می‌شویم

در ارتبـــاط با همین اتفاق بزرگ و البته قابل‌تامل در شـــمال تهران با امیر خراســـانی، جامعه‌شـــناس شهری گفت‌وگویی کردیم. او در ارتباط با تبعات چنین اقدامی آن‌هم در این منطقه از پایتخت به «فرهیختگان» گفت: «این مساله نباید باب شود. پادگان در تهران نقش مهمی دارد، از قدیم همین‌طور بود. به آن پادگان‌آبادمی گفتند. مساله انتقال پادگان‌ها و... اگر باب شود و فضاهای بزرگ حکمرانی از شهر خارج شود خودنیاز به تامل جدی دارد. درباره این تامل نشده است یعنی فرودگاه از شهر خارج شود، تمامی پادگان‌ها از شهر خارج شوند، ادارات بزرگ از شهر خارج شوند، این گرفتاری عظیمی دارد. گرفتاری این است که یک مساله حمل‌ونقل است. همین الان سر فرودگاه امام حمل‌ونقل چقدر مساله دارد؟ حالا فکر کنید سرباز باید پنج صبح بیدار شود تا به پادگان برسد. دومین مساله پدافند غیرعامل شهری است که اطلاعاتی درباره این ندارم ولی باید درباره آن فکر شود. نمی‌شود شهر از پادگان خالی شود. به این مسائل کاری ندارم. آن محدوده از معدود تنفس‌گاه‌های طبیعی محدوده تهران بود. به‌هرحال پروسه پارک‌سازی با طبیعی‌سازی متفاوت است.»

ذوق‌زدگی مدیران شهری برای ساخت هتل در پاسداران قابل‌تامل است!

خراســـانی با نقد اقدام اخیر ارتش و شـــهرداری تهران خصوصا در جهت عدالت شهری خاطرنشان کرد: «ساخت هتل، مجتمع مسکونی با میلیاردها تومان هیچ کمکی به عدالت شهری نمی‌کند و دوباره قرار است عده‌ای که در سرمایه‌داری املاک و مستغلات هستند، پروژه راه بیندازند. پروژه هم آن چیزی است که سرمایه‌داری املاک و مستغلات به‌دنبال آن است، یعنی می‌خواهد یک جایی زلزله بیاید و پروژه مسکن راه بیفتد. انبوه‌سازی راه بیفتد و پروژه مسکن شکل گیرد. هتل آنجا قرار است دست چه کسی باشد؟ چه کسی قرار است آنجا برود؟ نگاه به این تصمیم و واکنش اهالی شهرداری به آن خیلی معنا دارد. ذوق‌زده هستند در پاسداران می‌خواهند هتل بسازند که این را جزء افتخارات محسوب کنند. هتل در پاسداران با شرایطی که شهرداری زمینه‌ساز آن شود برای چه کسی است؟ قطعا من نمی‌توانم در عمرم پای خود را درآن هتل بگذارم. می‌دانید در آن فضا بخواهند مجتمع مسکونی بسازند چقدر قیمتش می‌شود؟ تجربه دریاچه چیتگر در منطقه ۲۲ را نداریم؟»

۴ سال دیگر ساکن پارک پاسداران بودن ملاک سرمایه‌داری می‌شود

این جامعه‌شناس شهری در ادامه به اثرات جامعه‌شناختی و روانی چنین اقدامی اشاره کرد و ضمن نقد این تفکر که حتما باید ساختمان‌ســـازی و تراکم‌فروشی صورت بگیرد، گفت: «دوستان فراموش کرده‌اند که باید خدمات شهری بدهند. هر پروژه‌ای باید در خدمت خدمات شـــهری قرار گیرد. بوستان، پارک و سرانه فضای سبز را بالا ببرید، مجتمع پزشکی محلی بسازید، مجتمع ورزشی بسازید. چرا این کارها انجام نمی‌شود؟ چرا باید دوباره مجتمع تجاری و مسکونی و هتل ساخته شود؟ این عقل از کجا آمده است؟ این جز این است که می‌خواهید پول بگیرید؟ از چه عقلی درمی‌آید آنجا هتل یا مجتمع تجاری با برند فلان ساخته شود؟ بعد می‌گویند مردم چرا چنین هستند. این به لحاظ فلسفی مهم است. با این کار سوژه معینی را می‌سازید. سوژه مصرف‌گرایی را می‌سازید که مدام می‌خواهد بخرد و جای خوب بنشیند. چهار سال دیگر ساختمان پارک پاسداران ملاک مایه‌داری می‌شود. یعنی یک داستان این شکلی است که این روحیه و ذهنیت را سم‌پاشی کرده و همه مدیران به آن مبتلا شده‌اند.»

اجرای این پروژه حتما باید از لحاظ تاثیرات اجتماعی ارزیابی شود

خراسانی در پاسخ به این سوال که از منظر ترافیکی و زیست‌محیطی آیا نباید ارزیابی‌های دقیقی صورت بگیرد و نتایج آن منتشر شود؟ گفت: «بله، آنجا از لحاظ ترافیکی قفل می‌شود. به بوستان کاری نداریم چون حتما باید ارزیابی از لحاظ اجتماعی شود. حتما باید معلوم شود چه حجم ترافیکی را اضافه می‌کند. بوستان با باغی که آنجا افتاده خیلی فرق دارد. بوستان‌سازی یک درجه پایین‌تر از طبیعی‌سازی است. چون ممکن است به محیط‌زیست آسیب بزنید. انواع اکولوژی آنجا را دچار تغییر می‌کند. درباره باید مطالعات زیست‌محیطی و اجتماعی صورت گیرد که اکولوژی آنجا تغییر می‌کند یا خیر؟ رطوبت منطقه دستخوش تغییر می‌شود یا نه؟ جهت باد چه تغییری می‌کند؟ بوستان یعنی تغییراتی در پارک ایجاد می‌کنند. چون اینها را نمی‌دانم و نامکشوف است، خیلی درباره‌اش حرفی هم نمی‌زنم، منتها باید اینها را اعلام می‌کردند که من جامعه‌شـــناس شهری، شمای خبرنگار و همه کسانی که دغدغه دارند به اطلاعات تحلیلی بهتری از آینده‌ای که درانتظار تهران و مردم این شهر است، دسترسی پیدا کنند.»

مدیریت شهری که قرار بود در اتاق شیشه‌ای باشد عضو شورایش از تصمیمات بی‌اطلاع است

این جامعه‌شناس شهری با انتقاد از این مساله که هنوز جزئیات دقیقی از اجرای این طرح و البته جزئیات دقیقی از کم‌وکیف توافق بین شهرداری و ارتش منتشر نشده است، گفت: «خود این جالب است که روز گذشته حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران مصاحبه کرد و گفت از جزئیات بی‌اطلاع است! نه تنها من نمی‌دانم که حق‌شناس هم نمی‌داند، یعنی عضو شورای شهر است می‌گوید حناچی ریز برنامه‌های آنجا را ارائه دهد. چرا ریز اطلاعات طرح منتشر نمی‌شود که حق‌شناس آن‌طور مصاحبه کند؟ من که تلاش بسیار کردم تا اطلاعات جزئی پیدا کنم و منتشر کردم. اطلاعاتی نیست. فاجعه‌بار آنجا بود که حق‌شناس گفت من نمی‌دانم و حناچی توضیح بدهد. اتفاق به این بزرگی در شهر رخ می‌دهد و عضو شورای شهر نمی‌داند. من هم باید حدس بزنم بوستان این جوری یا آن جور است. اجازه دهید بدبین باشم و بگویم این ۳۵ هکتار بوستان را هم با یک طرح قورت می‌دهند. دو روز دیگر طرح دیگری درمی‌آید. طرح ساختن کاری ندارد. پس اجازه دهید بدبین باشم. چرا نباید بدبین باشم؟ ۲۰ سال است در این شهر این فرآیند با شدت بسیار حاکم است. همواره شهروندان باخته‌اند. باغ‌ها را دادند، تک‌تک کوچه‌های تنگ منطقه ۱۰ را ببینید. الان می‌گویند تراکم کم بود. همیشه قطره‌چکانی اطلاعات داده‌اند، شهرداری که می‌گفت باید اتاق شیشه‌ای باشد عضو شورای شهر از تصمیم شهردار خبر ندارد. من نمی‌دانم شیشه از چه جنسی است که کسی از دیگری خبر ندارد.»

شهرداری می‌توانست به‌جای تراکم خدمات دیگری به ارتش ارائه کند

بعد از خراســـانی، ابوالفضل قناعتی، عضو سابق شورای شهر تهران نیز درارتباط با این توافق شهرداری و ارتش به «فرهیختگان» گفت: «در گذشته هم توافقات و تفاهمنامه‌ها بین نهادهای دولتی و غیردولتی، نیروهای مســـلح با مدیریت شهری بود. مثلا به‌خاطر برخی مســـائل همانند ارتحال حضرت امام(ره) لازم شـــد در آن مقطع بخشی از فرودگاه قلعه‌مرغی گرفته شود، اتوبان تندگویان احداث شود یا بعدها خود پادگان قلعه‌مرغی به فرمان حضرت آقا گرفته و تبدیل به فضای سبز شد. این اتفاقات افتاده است ولی معمولا چون جنبه دولتی داشته به این شکل نبوده که حتما شهرداری بیاید و عوض آن تراکم داده شود. یک پولی داده می‌شد یا دولت به دولت بوده است. سیستم بیت‌المال بوده است. دراین مرحله به‌خاطر اینکه ارتش فضایی را دراختیار شهرداری قرار می‌دهد به‌نظر من بهتر است شهرداری یک گردش کاری به نیروهای مسلح داشته باشد که بتواند این مجموعه را به شکلی بگیرد که لازم نشود تراکم یا شهرفروشی به‌دنبال داشته باشد، البته تراکم در حد مجاز هیچ‌گونه منع قانونی ندارد چون در طرح تفصیلی تعریف شده و به هرحال چهار، پنج طبقه باشد، قانون است یا حق مسلم آن منطقه است که داده شود فقط درقبال آن عوارضی که باید از ارتش بگیرد را نمی‌گیرد. شهرداری می‌گوید بابت عوارض زمین فلان‌جا را به ما دادید. شهرفروشی در جایی اتفاق می‌افتد که خارج از طرح تفصیلی باشد. طرح تفصیلی خود قانون است، حقوقی است که قانونگذار تعریف کرده که این حق شماست و شما می‌توانید تا سقف این مقدار پیشرفت داشته باشید. چون هردو مجموعه دولتی است می‌توانند درعوض چیزی شهرداری ندهد و خدمات دیگری به پادگان‌های ارتش یا فضایی که الان ارتش دراختیار دارد، بدهد.»

شورای شهر از توان خود برای پاسخگو کردن شهردار استفاده کند

قناعتـــی در ادامـــه و در ارتبـــاط بـــا مســـاله بی‌اطلاعـــی شـــورای شـــهری‌ها نســـبت بـــه اقدامـــات و افعـــال مدیـــران شـــهرداری گفـــت: «یـــک بحـــث دیگر این اســـت کـــه الان چرا شـــورا از اختیـــار خـــود خـــوب اســـتفاده نمی‌کنـــد؟ چـــرا شـــهر را در جریان سیاســـی خود معامله می‌کننـــد؟ چـــرا تخلفـــات شـــهر را به‌خاطـــر حفظ جریان سیاســـی خود پیگیری نمی‌کننـــد، درحالی کـــه قانونگـــذار دراختیـــار یـــک حـــوزه قـــرار داده اســـت؟ از حقـــوق قانونـــی کـــه به‌عنـــوان وکیـــل مـــردم اســـت شـــکل وکیل‌الدوله بـــه خود گرفتـــه. مگر عضو شـــورا نمی‌توانـــد از شـــهردار طـــرح ســـوال کنـــد کـــه ایـــن چه کاری اســـت که انجام شـــده و بـــا چـــه اجـــازه‌ای بـــود؟ بعـــد از طـــرح ســـوال تذکر بدهد و اســـتیضاح کنـــد. این حق هر عضـــو اســـت. مگـــر در زمـــان مـــا درخصـــوص علاءالدیـــن یـــا هتل اســـپیناس شـــهردار که هم‌جریـــان فکـــری مـــا بـــود، طـــرح ســـوال نکردیـــم و پاســـخ نـــداد؟ چـــرا این اتفـــاق افتاده اســـت؟ اینکـــه نماینـــده و عضـــو شـــورا می‌گوید نمی‌دانیـــم و شـــهردار بـــه مـــا پاســـخگو نیســـت، از آن عضـــو بایـــد ســـوال شـــود، قانـــون تـــا اینجـــا بـــرای شـــما تعریـــف شـــده یـــا بـــه شـــما اجازه پیگیری و ادامه راه داده اســـت؟ قانون ریل‌گذاری کرده که وقتی شـــهردار بـــدون اجـــازه فـــلان کار را کـــرده تذکـــر بدهیـــد، ۱۵ روز بعـــد طـــرح ســـوال کنیـــد، یک ماه بعـــد اســـتیضاح کـــرده یـــا شـــهردار را عـــوض کنیـــد. از قـــدرت نظارتی که قانونگـــذار برای شـــما گذاشـــته، اســـتفاده کنیـــد. ایـــن بحث‌هایی اســـت کـــه اگر بخواهند دنبـــال کننـــد، قانـــون کامـــل و جامـــع مشـــخص کـــرده اســـت، مگـــر اینکـــه بخواهنـــد فرافکنـــی کننـــد و بگوینـــد مـــا در جریـــان هســـتیم و فکـــر نکنیـــد شـــورا خواب اســـت. در همین حد مانور دهد.»